



## Investigating the evolution of Pelsar Neka neighborhood

Ali Rostamnezhad Nesheli, Zobeydeh Sortiji

Humanities and Social Sciences Department of History Guest lecturer, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran  
University of Farhangian Guest Lecturer, Iran

**Abstract:** The most important pillar of the physical structure of every city as identities Some of them are the neighborhoods of a city. Each neighborhood, while maintaining its independent identity, as a part of an urban network, has a special place in the sort of identity of a city. Neka has old neighborhoods that reflect its past and culture. Small neighborhoods that are older than the city of Neka. Ancient neighborhoods that have a special place in the identity of Neka due to the formation of the mental image and cognitive map of Neka. In this research, an attempt was made to represent the old neighborhood of "Pelsar" and the interaction of humans with the environment and the mutual influence of these two.

The data of this research has been collected by reviewing archival documents and family documents, historical books, field visit to the neighborhood and oral interviews.

The findings of the research show that the neighborhood of Pelsar was slowly changed during the first Pahlavi period. Social changes and transformations and modernization took place in economic, technological, social, cultural and political dimensions; But the process and spread of these changes were not the same. Some parts expanded more and some parts less.

**Key Words:** Neka, old neighborhoods, Shah Abbasi bridge, Pelsar

### بررسی سیر تحول محله پل سر نکا

علی رستم نژاد نشلی<sup>۱</sup>، زبیده سورتیجی<sup>۲</sup>

۱- دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه مازندران، مدرس مدعو، مازندران، ایران

۲- استادیار دانشگاه فرهنگیان، مدرس مدعو، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

### چکیده

محله‌های یک شهر، مهم‌ترین رکن ساختار کالبدی هر شهر به‌عنوان هویت‌های جزئی هستند. هر محله در عین حفظ هویت مستقل، به‌صورت جزئی از یک شبکه شهری، جایگاه خاصی در جورچین هویتی یک شهر دارد. نکا دارای محله‌هایی قدیمی است که نمایی از گذشته و فرهنگ آن را بازتاب می‌دهند. محلات کوچکی که قدمتشان از شهر نکا بیشتر است؛ محلات کهنی که به سبب شکل دادن تصویر ذهنی و نقشه شناختی از نکا در هویت‌بخشی به آن جایگاه ویژه‌ای دارند. در این پژوهش تلاش شده است محله قدیمی «پل سر» و تعامل انسان با محیط و تأثیر متقابل این دو بازنمایی شود.

داده‌های این پژوهش طی بررسی اسناد آرشیوی و اسناد خانوادگی، کتاب‌های تاریخی، بازدید میدانی از محله و مصاحبه‌های شفاهی گردآوری شده‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند محله پل سر در دوره پهلوی اول به آرامی دستخوش تغییر شد. تغییر و تحولات اجتماعی و نوسازی در ابعاد اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شکل گرفت؛ اما فرایند و گسترش این تغییر و تحولات به یک اندازه نبود. بخش‌هایی بیشتر و بخش‌هایی کمتر گسترش یافتند.

**واژه‌های کلیدی:** نکا، محله‌های کهن، پل شاه‌عباسی، پل سر.

## مقدمه

افزوده شده است. به دیگر سخن، نکا مجموعه‌ای بود از چند محله که هر یک اجتماع قومی خاصی را تشکیل می‌دادند. ترکیب هویت‌های قومی - محله‌ای که در نتیجه التقاط یک قوم با یک محله بود. پیش از سال ۱۳۰۰ خورشیدی، نارنجباغ، پل‌سر و گرد زمین سه محله مسکونی منطقه البته با هویت نیمه‌مستقل بودند. سایر محله‌های شهر (صغیرمله، تزره‌مله، دصفونی‌مله و ترکی‌مله) به تدریج شکل گرفته و بالیده‌اند. مهاجرانی با ویژگی‌های قومی - نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و ... در یک محله با هم زندگی می‌کردند و آن بخش دارای هویت خاص و شناخته‌شده‌ای بود که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌شد.

هر محله از استقلال نسبی، فضای کالبدی و مرزهای کالبدی و اجتماعی مشخص برخوردار بود. روابط خویشاوندی دیرپا میان ساکنان محله موجب شده بود تا همبستگی درونی قدرتمندی میان آنها وجود داشته باشد. ۶۰ یا ۷۰ سال پیش گرداگرد نکا را جنگل‌های سرسبز و زمین‌های کشاورزی پوشانده بود. اقتصاد نکا مبتنی بر کشاورزی و دامپروری بود و به صورت ارباب و رعیتی اداره می‌شد. بافت گلیم و جاجیم و ... به عنوان صنایع دستی کمک‌خرج خانواده محسوب می‌شد. هنوز نکا در آن زمان به قول پاپلی یزدی وارد «عصر پلاستیک» (۱۳۸۴: ۲۰۵) نشده بود و در «خانه‌ها از ظرف‌های چوبی، سفالی و مسی استفاده می‌شد. هنوز برق و به تبع یخچال، تلویزیون، ضبط صوت، ویدئو، رایانه، آب لوله‌کشی، حمام دوش‌دار، توالت سیفون‌دار، کوچه آسفالت شده و ... وجود نداشت» (همان). آپارتمان‌ها و برج‌ها مهمان محله‌ها نشده بودند. محلات آن روز همگن و منسجم بودند. هر محله از چند طایفه تشکیل می‌شد که با هم روابط خویشاوندی نیز داشتند. در هر محله معتمدین و افراد مورد احترام مردم زندگی می‌کردند. نارنجباغ و اسماعیل‌آقا محله، کدخدا داشتند و مدیریت محله بر عهده آنها بود. سایر محلات زیر نظر ملاکان و ژاندارمری شهر وظایف خود را شامل رسیدگی به امور عمومی و گردآوری مالیات (تریجه)، انجام می‌دادند. اداره محلات شهر با کدخدایان و بزرگان

زندگی اجتماعی باید در بستر جغرافیایی و محیط مادی آن شناخت شود. هویت انسان در چارچوب فضا و مکان مورد ادراکش شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که «هویت بشر و هویت مکان لازم و ملزوم یکدیگرند» (شولتز، ۱۳۸۲: ۵۱۱). مکان یکی از نمودهای بیرونی هویت است و مطالعه تاریخ و جغرافیای تاریخی آن رهیافتی برای بررسی نظام هویتی یک جامعه و مردمانی است که در آن زیست می‌کنند. زمان (تاریخ) نیز در فضای کالبدی (جغرافیایی) متبلور می‌شود و به تبع آن فضای کالبدی بر شکل‌گیری ساختار اجتماعی و نوع سکونت‌گاه‌ها تأثیر می‌گذارد. بافت کالبدی و ساختار مکانی - فضایی شهرها یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می‌دهد؛ زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی شهری متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است؛ از این رو، شناخت این بخش از شهرها به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز می‌انجامد. واقعیت آن است که بافت کالبدی، امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل، از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸). به دیگر سخن، عناصر مادی و فرهنگی هر مکانی نمود و نماد اندیشه ساکنانش در طول تاریخ است و سیر تحولات تاریخی را نمی‌توان از سیر تحول ساختار و کالبد جغرافیایی آن جداگانه بررسی کرد.

نکا شهری است که در دو سوی «نکارود» واقع شده است. این شهر دارای محله‌هایی قدیمی است که نمایی از گذشته و فرهنگ آن را بازتاب می‌دهند. پرسه‌گردی در کوچه‌هایش مثل یک خواب شیرین یا رفتن به دل قصه‌ای است که از زبان زنی کهنسال جاری می‌شود. برای کشف تن این شهر و قصه‌هایش در پیچ‌وخم کوچه پس‌کوچه‌ها با خانه‌های کاهگلی باید خوب گوش سپرد تا صدای آدم‌ها را از دل تاریخ شنید. صدای آنها که روزگاری در محلات این شهر شب‌هایی پرهمهمه و پرشور را از سر گذرانده‌اند و روزها سرشار از امید، دست به کار ساختن زندگی بودند. این شهر با مهاجرت شکل گرفته و به تدریج بر جمعیت آن

در شکل دادن تصویر ذهنی و نقشه‌شناسی از نکا، در هویت‌بخشی به آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

از آنجایی که نکا تابعی کم‌اهمیت از ساری و بهشهر به حساب آمده است، در منابع تاریخی کمتر به آن توجه شده است. از جهان‌گردان خارجی، جیمز فریزر (۱۸۲۲ م.)، نکا را بلوکی با چندین دهکده توصیف کرد (Fraser, 1826: 31). ملگونوف روسی (۱۸۵۸ تا ۱۸۶۰ م.) جمعیت نکا یا نیکاح را حدود ۷۰ خانوار (۱۳۷۶: ۱۰۴) و مسیو بهلر مشاور نظامی ناصرالدین‌شاه آن را حدود ۱۵۰ خانواده برآورد کردند (۱۳۵۶: ۵۲). رابینو (۱۲۸۵ تا ۱۲۹۱)، جمعیت نارنجباغ را به عنوان یکی از محلات نکاح ۲۰ خانوار اعلام کرد (۱۳۸۳: ۱۰۱). ستوده در کتاب *از آستارا تا استارباد* به نکا، روستاهای اطراف آن و آثارش اشاره کرده است. علیرضا صبوری در کتاب *قنوس خیال* با آوردن مقالاتی از نویسندگان مختلف به معرفی نکا، زندگی و شرح آثار علما، نویسندگان و شاعران این شهرستان پرداخته است. زبیده سورتیجی و علی رستم‌نژاد نشلی در کتاب *راویان قصه‌های رفته از یاد* (درآمدی بر تاریخ نکا به روایت سفرنامه‌ها) ۱۳۹۶ در باب تاریخ نکا از خلال چهارده سفرنامه کنکاش کرده‌اند. زبیده سورتیجی و علی رستم‌نژاد نشلی (۱۴۰۱) در مقاله «درآمدی بر تحولات سیاسی - اجتماعی محله نارنجباغ نکا در عصر قاجار» فصلنامه تاریخ و باستان‌شناسی مازندران، به محله نارنجباغ و تحولات سیاسی - اجتماعی آن پرداخته‌اند.

درباره محله پل سر تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است. با توجه به تغییرات عمده کالبدی و اجتماعی شهر نکا، بررسی تاریخ محله‌های آن در بازه زمانی مذکور لازم و ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، شناخت سازوکارهای اجتماعی، تاریخی و سیاسی و گذار از این تجربه‌ها به رسیدن به موقعیتی از حیات رو به رشد و پیشرفته و زندگی بهتر و برنامه‌ریزی‌های سنجیده‌تر منجر خواهد شد. با این شرایط، جای خالی پژوهش در باب تاریخ اجتماعی نکا در تحقیقات محلی و مازندران‌پژوهی بیش از پیش به چشم می‌آید.

نگارندگان برآنند با تدوین تاریخ محله پل سر، از

امور انتظامی بر عهده پاسبان و رئیس کلانتری (ژاندارمری) بود. کوچه‌باغ‌های محلات نکا زیبایی منحصر به فردی داشت. خانه‌هایی کاهگلی با در و پنجره‌هایی چوبی در آنها خودنمایی می‌کردند. فضای داخلی خانه‌ها از خارج قابل رؤیت بود. سطح خارجی دیوارها با خشت، آجر و کاهگل پوشانده می‌شد.

نکای قدیم محلاتی داشت که هنوز با همان اسم قدیم باقی مانده‌اند. نکا به همین اسم‌ها و محله‌هایش زنده است. بخش کهن این شهر از هشت محله تشکیل شده است. محلات کوچکی که قدمشان از شهر نکا بیشترند: حموم‌سری، نارنجباغ، پل سر، تُرک‌مله، اودنگ‌سر (تزره‌مله)، صغیرمله (حاجی‌آباد/ کامشی‌مله)، جوگی‌مله (گرد خیابون/ گردمله/ جیگی‌مله) و دِصفونی‌مله. این محلات بر اساس شاخص‌های متفاوتی نامگذاری شده‌اند. براساس پدیده‌های طبیعی (نارنجباغ)، نام گروه‌های انسانی (تزره‌مله، کامشی‌مله، جوگی‌مله و دِصفونی‌مله)، سازه‌های انسانی (حموم‌سری، پل سر، اودنگ‌سر) و نام افراد سرشناس (صغیرمله/ حاجی‌مله).

تمرکز شهر از گذشته تا کنون عمدتاً در حوالی پل تا چهارراه مرکزی بوده است. بازار نیز به عنوان مرکز فعالیت تجاری متشکل از مغازه‌هایی متمرکز از چهارراه مرکزی تا کمی آن طرف پل - نزدیکی‌های بانک ملی مرکزی فعلی - و خیابان علمیه بود. این محدوده در طول زمان همگام با زندگی روزمره شهری مردم نکا رشد کرده است. همین موضوع سبب شد تا سیاحان خارجی و داخلی نیز محله‌های حواشی پل و نارنجباغ را به عنوان محلات قدیمی در نوشته‌های خود ثبت و معرفی کنند. به تدریج با گسترش صنعت، شکل محله‌ها و ویژگی‌های جامعه‌شناختی آنها دستخوش تغییر شد و نکا به تدریج از قصبه‌ای پیرامونی در کنار شهرهای ساری و بهشهر، هویت شهری مجزا یافت.

محدوده فعلی شهر نکا ۸/۲ کیلومتر مربع است. از شمال به حریم راه آهن یا حریم جنوبی راه آهن تا سیلو و امتداد آن تا باغ عرب، از جنوب به کمربندی، از غرب به مسکن مهر و از شرق به میدان ورودی یا میدان امام رضا(ع) متصل است. محلات کهن شهر به سبب نقش‌شان

تقریباً هیچ نقشی ندارد. وظیفه او در این دوره، تنها تولید مازاد اقتصادی است و مازاد اقتصادی تولیدشده آنان بیشتر توسط سلسله‌مراتبی از حاکمان محلی، تصاحب و در نتیجه، زندگی آنان به شکل بازتولید ساده زندگی در جغرافیایی بسیارمنزوی تکرار می‌شود؛ بدون آنکه نقشی فراتر از محل کار و زندگی خود داشته باشند.

پل نکا پس از پل رودخانه تجن در شرق ساری از جمله پل‌های مهمی است که نقش حیاتی در ارتباط مناطق مختلف مازندران داشت و دیگر نقاط را به شرق مازندران متصل می‌کرد. اولین گزارش ثبت‌شده از پل نکا، هم به‌عنوان یک پل و هم به‌عنوان یک محله با تعدادی واحد مسکونی در سفرنامه فریزر به سال ۱۲۳۷ق. / ۱۸۲۲م. آمده است (Fraser, 1826: 31).

اهمیت جاده شاه‌عباسی در نکا به دلیل پل زیبا و با اهمیتی بود که در زمان شاه‌عباس روی نکارود احداث شده بود. این پل قدیمی‌ترین پلی است که منابع درباره آن اطلاعاتی را ثبت کردند. در منابع از آن با نام‌های «پل نیکاح، پل نیکا و جسر نکا» سخن به میان آمد (رایینو، ۱۳۴۳: ۱۰۱ / مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۳۲). امروزه این پل در میان مردم نکا به «پل شاه‌عباسی»، «گت‌پل» (به معنی پل بزرگ) و «پل نکا» شناخته شده است. این پل تاریخی در گذشته دارای سازه آجری با دو طاق بود که با ملات آهک و گچ و پایه‌هایی از جنس آجر ساخته شده بود. روی هر کدام از پایه‌های پل، یک طاقنما دیده می‌شد (دمورگان، ۱۳۹۵: ۴۲۴).

پل نکا به دلیل استمرار، پایداری، زمان‌مندی و حافظه تاریخی هویتی فراتر از هویت شهری دارد؛ هویت ملی و بین‌المللی. شرق‌شناسان و گردشگران در توصیف‌ها و نوشته‌های خود از نکا، از این پل زیبا و باشکوه یاد کردند. ملگونوف این پل را سنگی و ساخت دوره فتحعلی‌شاه دانسته است: «روی رودخانه یک پل سنگی باریک که میان آن بالا آمده قرار دارد و پل نکا نامیده می‌شود. می‌گویند در زمان سلطنت فتحعلی شاه بنا شده است» (۱۳۷۶: ۱۹۹). محمدمیرزا مهندس از نخستین مهندسان راه‌سازی ایرانی و دانش‌آموخته اروپا نگاه موشکافانه‌ای نسبت به پل و

هسته‌های اولیه شکل‌گیری نکا نه فقط گوشه‌ای از سرزمین ایران، تاریخ این سرزمین را با جزئیات دقیق‌تری در یک محدوده جغرافیایی کوچک‌تر بازسازی کنند؛ از این رو، پژوهش پیش رو تلاش دارد با کاوش درباره یکی از محلات قدیمی نکا، زمینه جدیدی را در نحوه مطالعات و شناخت این شهر فراهم سازد. داده‌های این پژوهش طی بررسی اسناد آرشیوی و اسناد خانوادگی، کتاب‌های تاریخی، بازدید میدانی از محلات شهر نکا و مصاحبه‌های شفاهی گردآوری شده‌اند. همچنین، از مطالعات تخصصی مهندسان شهرسازی، به‌ویژه طرح جامع شهری استفاده شده است.

### پل سَر / خیابان علمیه

پل سَر (Pelsar) به دلیل قرارگرفتن در کنار نکارود سیمای خاص خود را داشته است و یکی از یگانه‌ترین فضاهاى نکا محسوب می‌شود. به دیگر سخن، نکارود و پل روی آن به این محله هویت ویژه بخشیده است. نکا یا پل نکا (پل سَر) به همراه نارنجباغ از قدیمی‌ترین محله‌ها هستند. این دو محله در دوره قاجار دو روستا - اولی در کرانه چپ و دومی در کرانه راست نکارود - بودند. نکا در دوره قاجار جزو بلوک نکا و متعلق به ولایت ساری و نارنجباغ جزو بلوک قراطغان و متعلق به ولایت اشرف بود. نکارود مرز این دو روستا و مرز دو ولایت مذکور به شمار می‌رفت که به واسطه پل نکا به هم وصل می‌شدند. در این دوره نظام ارباب - رعیتی، بر این منطقه حاکم بوده است و قدرت سیاسی در دست زمین‌داران بزرگ متمرکز شده بود. هر ارباب، دارای جماعتی رعیت بود. مالک قراء سه‌گانه آبلو، نارنجباغ، چاله پل و شاه کیله، سردار جلیل و پس از او نوه‌اش منوچهرخان کلبادی بودند. کرانه غربی پل (نکاصحرا) نیز در اختیار عباسعلی غفاری شه‌میرزادی بود. عده‌ای خرده مالک و عده‌ای نماینده یا پاکار آنان بودند. پاکارها مأمور مراقبت و نظارت بر زمین ارباب بودند و از رعایای کشاورز باج و بریجه/ بهره‌چه می‌گرفتند. نکای با حیات روستایی جایی است که اقتصاد آن بر تولید کشاورزی و دامداری بنیاد یافته است. تولیدکننده همان رعیت فرودستی است که در تحولات سیاسی - اجتماعی



پل نکا در اواسط دهه ۳۰ (آلبوم علی بابا بهرامی)

پل شاه‌عباسی در دههٔ چهل با دینامیت تخریب و پل بتنی دیگری بر جای آن ساخته شد. بعد از طغیان نکارود و سیل ویرانگر پنجم مردادماه ۱۳۷۸ بخش‌های اصلی پل دههٔ چهل نیز تخریب و پل جدید بنا شد. این پل دارای چهار پایه سنگی بزرگ است. طولی بیش از ۵۰ متر و ارتفاع ۷ متر و پهنایی به اندازهٔ ۳۰ متر دارد. پس از سیل سال ۱۳۷۸ و به دنبال مرمت پل در دو طرف آن، دو پل فلزی عابر پیاده معلق نیز نصب شده است.

اطراف این پل در گذشته جایی برای گردهم آمدن مردم، بازارروز و چای‌خانه‌های سنتی بود. اکنون نیز در اطراف پل و دلتای رود پارک‌های سیمرخ، شهید بهشتی، مادر، شهدای گمنام و ملت ساخته شده است که نوعی هویت مکانی از نوع هویت در فضای عمومی ایجاد می‌کند و عالی‌ترین مکان عمومی جای تقاطع نسل‌هاست. آب رودخانه هم به اندازهٔ گذشته خروشان نیست.

اهمیت این پل به اندازه‌ای بود که بیشتر مسافران دورهٔ قاجار به هنگام عبور از این منطقه از روستای کوچک نکا یاد کرده‌اند؛ در حالی که روستای نارنجباغ به لحاظ جمعیت و تعداد خانه‌های مسکونی بزرگ‌تر از نکا بود. گزارش ملگونوف روسی در بازنمایی جایگاه واقعی نکا در تقسیمات اداری دوره قاجار بسیار با ارزش است. در گزارش او، این محله، یکی از روستاهای بلوک نکا معرفی شد: «نکا یا پل نکا با تقریباً هفتاد در خانه در نزدیکی

رودخانه نکا داشت و گزارشی مفصل از آن داد: «پل نکا دو چشمه که تقریباً پنجاه قدم طول و هفت قدم عرض در سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت گویا مرحوم رضا قلی‌خان کلبادی از مال‌الوصایه برادرش مرتضی قلی‌خان کلبادی ساخته است و منبع آب نکاء از غرب کوه شمشیربر که سه منزل تا پل بُعد دارد جاریست و از پل نکاء تا بحر خزر که تقریباً چهار ساعت راه است، از نزدیکی قریهٔ نوذرآباد که تا دریا نیم ساعت مسافت دارد، به دریا ریزد و آب دهات قره طغان و غیره از همین رود، هر کدام بندی علیحده از این رود دارند» (۱۳۹۰: ۴۲۴). به این مسئله در روزنامه سفر ناصرالدین‌شاه به سال ۱۲۹۲ق. نیز اشاره شد: «پل نکا را رضا قلی‌خان کلبادی مرمت کرده است» (۲۵۳۶: ۲۰۶). ناصرالدین شاه در سفر اولش به مازندران در سال ۱۲۸۲ق. دستور تعمیر پل را داده بود. «رودخانه نکا آبش طغیان و شورش داشت. پل سه چشمه دارد که چشمه وسط از دو چشمه دیگر بزرگ‌تر است. آن پل اندک خرابی دارد گفتم بسازند [...] بنزک مهندس، ذوالفقارخان مهندس با دهباشی آنجا بود. جسر نکا و [جسر] رودخانه فرح‌آباد را بسته بودند» (۱۳۹۰: ۱۳۸). گزارش اعتمادالسلطنه از همراهان شاه در این مسافرت، بسیاری از ابهامات در باب زمان تأسیس پل را پاسخ می‌دهد: «رودخانهٔ نکا می‌گویند از شاه‌کوه و شاه‌رود و بسطام می‌آید، در بهار زیاد می‌شود؛ اما حالا آب کمی داشت. داخل مرداب اشرف می‌شود. پل که روی این آب بسته‌اند، تازه است، مرکب از دو چشمه: یکی خیلی بزرگ و دیگری کوچک. چهار سال قبل پل شاه‌عباس را آب برده بود. تازه تعمیر کرده‌اند» (بی‌تا: ۴۷). سیلاب عامل اصلی ویرانی پل نکا بود و در دوره‌های متعدد این پل با اهمیت، ترمیم یا دوباره ساخته می‌شد. رضاشاه این پل را زیباتر از پل تجن ارزیابی کرد. «بعد از تجن، رودخانه‌ای که در سر راه واقع است، نیکا نام دارد که از شاه‌کوه شروع شده، در چهارفرسخی شمال جاده به دریا می‌ریزد. پل بلندی بر آن زده شده، که هر چند به بزرگی پل تجن نیست، ولی قشنگی آن به مراتب بیشتر است» (۱۳۵۵: ۲۵).

حوزه علمیه در مسجد جامع، توسط آیت‌الله لیموندهی به «خیابان علمیه» اشتهاار یافت. در دوره پهلوی دوم تلاش شد نام خیابان به «خیابان فرح» تغییر یابد؛ اگرچه در مکاتبات اداری و رسمی این نام جدید نوشته شد، عامه مردم از این نام استقبال و استفاده نکردند. امروزه نام خیابان علمیه به «خیابان آیت‌الله محمدی لائینی» تغییر یافته است.

رودی به همین نام در چهار فرسنگی ساری و دو فرسنگی قره‌تپه و سه فرسنگ از ساحل دریا» (ملگونوف، ۱۳۷۹: ۲۱۲). اهمیت تاریخی نکا هم به واسطه همین پل بود. در روایت‌های شفاهی نیز از این محله با نام پلِ سرِ یاد می‌شود. بعدها با گسترش محله و به دلیل منتهی شدن مسیر به روستای کلبستون و جنگل به «کلبستون‌راه»، «خیابان کلبستون» و «خیابان جنگل» معروف شد. پس از تأسیس



عکس هوایی از محله پل سر سال ۱۳۳۵

تعلق مؤثر است. پل سر محل خرید و فروش و تجارت بود. مغازه‌های این قسمت، تمام مایحتاج روزانه روستاییان و کشاورزان را عرضه می‌کردند؛ نظیر: خاوبار، برنج، چای، قند، شکر، صابون، پنبه، دخانیات، پارچه، لباس، ابزارآلات کشاورزی و گله‌داری و ... مغازه‌داران انواع تولیدات دامی و کشاورزی را از روستاییان می‌خریدند. این خرید و فروش گاهی به صورت معامله پایاپای بود. در ازای فروش اقلام مورد نیاز، محصولات کشاورزی و دامی را دریافت می‌کردند. در صورت برقراری چنین رابطه‌ای به مغازه‌دار عنوان «مِیل» اطلاق می‌شد. ترتیب مغازه‌های ابتدای پل، ورودی خیابان علمیه تا میدان لاله این گونه بوده است:

سمت راست (ضلع غربی): دو باب مغازه میوه‌فروشی رجبعلی شکاری، دو چرخه‌سازی حسین سبجانی،

محدوده قدیم پل سر از ابتدای پل نکارود تا میدان لاله امروزی گسترده شده بود. به مرور زمان، بر گستره آن افزوده شد و تا کشتارگاه (ساختمان شماره ۲ شهرداری) و قسمتی از چمازی ادامه یافت. هرچند امروزه با توسعه شهری مرز این محله تا کمربندی شهر گسترش یافت، کارکرد و شمای محلی بودن آن مانند گذشته نیست؛ بلکه به صورت یک خیابان با واحدهای مجزایی به نام کوچه و عناصر تشکیل‌دهنده آن تبدیل شده است.

#### بازار و مسجد

علاوه بر ساختار کالبدی که در افزایش حس تعلق و حس مکان ساکنان محل تأثیرگذار است، شرایط اجتماعی و فعالیت‌های موجود در محیط خاطره‌های جمعی و رویدادهای خاطره‌انگیز است که در بالابردن میزان حس

مراقبت از اسب‌ها مبلغ دوشاهی دستمزد می‌گرفتند. این فضای باز پس از سیل سال ۱۳۷۸ جزو حریم رودخانه، شناخته و ایستگاه سنجش دبی آب در آن احداث شد. کاروانسرای دوم که بعد از مسجد جامع قرارداد داشت و امروزه ورودی پاساژ رضوانی محسوب می‌شود متعلق به آقابزرگ رضوانی بود. این کاروانسرا یک دروازه چوبی با حیاط بزرگ داشت که دورتادور آن طویله بود. منزل آقابزرگ هم در ابتدای کاروانسرا قرار داشت. تنها خدمات کاروانسرا علاوه بر نگهداری و مراقبت از چهارپایان، تهیه علوفه یا خوراک (سبوس) بود. هیچ‌گونه امکانات اقامتی برای چاربیداران یا صاحبان چهارپایان وجود نداشت (رضوانی: ۱۴۰۱/۶/۶).

در حدود اوایل دهه ۴۰ از نبش خیابان علمیه به سمت آموزش و پرورش تا تقریباً روبه‌روی بانک ملی مرکزی امروزی، مغازه‌ها به شکل امروزی کنار پیاده‌رو نبودند. این قسمت یک محوطه مثلثی بود که در کنار آن مغازه‌ها جای داشتند (تصویر ۲۱). این مغازه‌ها شامل نانوایی شهابی، مغازه حاج ابوطالب باقری و شالیکوبی موتوری حاجی چینیان و قهوه‌خانه حاجی گل شه‌میرزادی بود (باقری: ۱۴۰۰/۶/۲). یک درخت توت بزرگ در فضای باز سایه افکنده بود که مردم در سایه‌سار آن استراحت می‌کردند. بعدها به دستور شهرداری مغازه‌داران، مغازه‌های نوسازی را در نبش خیابان بنا نهادند. بدین‌گونه فضای باز مذکور برای همیشه نابود شد و تنها یاد آن در خاطره‌ها باقی ماند.

محل پاساژ بزرگ فعلی هم دو مغازه نفت‌فروشی (نفت‌انبار) قرار داشت. یکی متعلق به آقای غفوری (دایی ذبیح) بود و دیگری را آقای مربی تزره‌ای اداره می‌کرد. بعدها آقای غفوری نفت‌فروشی خود را به مکان پمپ بنزین غفوری کنونی منتقل کرد. دیگری هم به خیابان راه‌آهن کنار کارخانه آرد میرزایان نقل مکان کرد؛ البته عده‌ای هم ۲۰ لیتری‌هایی را از نفت پر می‌کردند و با ارابه یا روی دوششان به‌صورت سیار در کوچه‌ها می‌فروختند. شه‌میرزادی‌ها (خانواده‌های شه‌میری، محمدی،

شیرینی‌فروشی اشجعی، خواروبار فروشی و تزریقاتی حاج رحیم احمدی، برنج‌فروشی براری، خواروبار فروشی زارع، خواروبار فروشی حسین سه‌کیله‌ای، کاروانسرای برادران رضوانی (حاج ابوالقاسم و آقابزرگ رضوانی) یکی در ابتدای خیابان که اکنون به چند مغازه تفکیک شد و دیگری کنار مسجد جامع ورودی پاساژ زارع کنونی. بعد از کاروانسرای رضوانی تا حوالی سه‌راه علمیه (میدان لاله) چند خانه روستایی (املاکی) و شخصی وجود داشت که شه‌میرزادی‌ها در آن ساکن بودند.

سمت چپ (ضلع شرقی): قهوه‌خانه شعبان وفایی (دکه‌ای چوبی)، قصابی مؤمنی، خواروبار فروشی حاج اصغر رودباری، پیرایشگاه عزیز سلمونی، خواروبار فروشی حاج اصغر مدنی، خواروبار فروشی رستمی، خواروبار فروشی شاکری، خواروبار فروشی شفیع، برنج‌فروشی احمدی، نانوایی گازوئیلی رضا خلیلی، بقالی ابراهیم ملک، قصابی گوسفندی محمود رضایی و قصابی گاوی محمود قصاب (شه‌میری، غلامرضا و شه‌میری، محمدرضا: ۱۳۹۸/۰۵).

آن زمان که تردد در بازار نکا زیاد شد و هر روز خانواده‌های بسیاری از روستاهای اطراف با اسب به شهر می‌آمدند، تأسیس کاروانسرا ضرورت یافت. کاروانسراهایی شبیه پارکینگ که با برآمدن خورشید به جنبش در می‌آمدند، آماده پذیرفتن اسب و چارپا می‌شدند و خدماتی از قبیل نعل‌بندی و خوراندن علوفه به چهارپایان ارائه می‌دادند. هر چهار کاروانسرا این روزها تغییر چهره داده و تبدیل به پاساژ و تعدادی مغازه شده‌اند.

دو کاروانسرا در ابتدای خیابان علمیه قرار داشتند که متعلق به برادران رضوانی بودند. بخشی‌هایی از دو کاروانسرا در تعریض خیابان در سال ۱۳۵۶ تخریب شدند. کاروانسرای اول در سمت چپ، ابتدای خیابان علمیه و در کنار رودخانه قرار داشت؛ یک فضای باز بدون هیچ دیوار و دروازه یا طویله‌ای. زمین آن متعلق به حاج ابوالقاسم رضوانی بود و فرزندانش (قدرت‌الله رضوانی) در ازای

جنگل مکان دوست‌داشتنی کودکان و نوجوانان برای شکار گنجشک و انواع پرنده به‌ویژه تیکا بود. بعدها برخی از اهالی کلبستون آن را به زمین کشاورزی تبدیل کردند.

حدود دویست متر بالاتر از آسیاب «کوه‌بن» به سمت جنوب غربی پشت مدرسه شهید باقری منطقه‌ای بود که به آن «قرکوه» می‌گفتند. بالاتر از قرکوه قبرهای گبری پیدا بود. به احتمال «قر» تلفظ عامیانه گبر بوده باشد. اکنون قسمتی از آن تپه، خاک‌برداری و تبدیل به منطقه مسکونی شده است. از آن همه طبیعت بکر اینک تنها زمین‌های کشاورزی بر فراز تپه‌ها و چند هکتار شالیزار در قسمت پایین دست و تعداد اندکی درخت باقی مانده‌اند.

کوچه چمازی (خیابان آیت‌الله محمدی لائینی ۵) مرکز تجمع مهاجران بابلی بود. بیشتر آنها از طایفه ملک‌شاه روستای دیوای بندپی هستند. گروه مهاجر دیگری نیز خیابان علمیه را برای سکونت انتخاب کرده بود. اهالی بخش امیرآباد<sup>۱</sup> دامغان حوالی شرکت ساروج تا کشتارگاه، کوچه چمازی و مسجد صاحب‌الزمان سکنی گزیدند؛ اما محله‌ای با نام مخصوص آنها وجود نداشت. بیشتر نانوایی‌های نکا را در گذشته دامغانی‌ها اداره می‌کردند. ادامه زمین‌های خیابان علمیه (محله امام حسین (ع) کنونی) اغلب متعلق به کلبستونی‌ها و شالیزار بود. زمین‌های شالیزاری کلبستونی‌ها تا محدوده شرکت ساروج گسترده بود. بنا بر روایت آقای حاج ابوطالب باقری، مکانی که امروزه منزل شخصی وی است، آخرین زمین کشاورزی اهالی کلبستون یا مرز زمین‌های اهالی کلبستون و اهالی قلعه‌سر محسوب می‌شد. نکارود هم مرز زمین‌های آبلو و کلبستون را تعیین می‌کرد. در کنار شالیزار یک راه مالرو وجود داشت که پل‌سر را به کلبستون متصل می‌کرد.

بعدها در سه‌راه علمیه، تقاطع خیابان‌های علمیه، آیت‌الله محمدی لائینی و شهدا (آرامگاه) نیز میدان لاله

هاشم‌زاده، رسولی (رضوانی)، نبی‌ئی، رودباری، جباری، مشکاتی، راضی و ... بیشتر در ابتدای خیابان علمیه تا محدوده سه راهی علمیه (میدان لاله) ساکن شدند. آنان پیش‌تر چاربیدار بودند و به‌صورت فصلی و بدون خانواده به نکا می‌آمدند. بعدها در روستاهای ارم، قلعه‌سر، اسلام‌آباد، زید علیا، داراب‌کلا و سورک ساکن شدند و سپس به‌صورت دائمی به نکا کوچیدند.

از خاک تپه‌های اطراف سه‌راه علمیه جهت ساخت آجر، سفال و کوزه استفاده می‌کردند. تپه‌هایی که به دلیل ارتفاع بیشتر نسبت به ساختمان‌های اطراف به‌طور کامل قابل دید هستند، مهم‌ترین تفاوت دیداری این منطقه را تشکیل می‌دهند. در دهه سی جلوتر از میدان لاله - گالری نقاشی شهرداری کنونی - کوره آجرپزی حاج محمدربیع شهرداری راه‌اندازی شد. کوره‌ای که سوخت آن با هیزم تأمین می‌شد. هیزم‌ها را با اسب و الاغ از جنگل می‌آوردند. در سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۵۰ این کوره برجیده شد و به بلندی‌های خیابان علمیه پشت آسیاب «کوه‌بن»، شهرک فرهنگیان کنونی منتقل شد.

پایین دست کوره آجرپزی، کشتارگاه بود. تنها کشتارگاه نکا با بیش از ۵۰ سال قدمت که شهرداری اداره می‌کرد. کشتارگاه در سال ۱۳۸۸ تخریب و به جای آن، عملیات احداث ساختمان شماره ۲ شهرداری نکا (معاونت خدمات شهری) آغاز شد. این ساختمان در سال ۱۳۹۴ افتتاح شد. روبه‌روی کشتارگاه آسیاب «کوه‌بن» متعلق به آقای باقر باقری وجود داشت. از کوچه چمازی (آیت‌الله محمدی لائینی ۵) به بعد در زمین‌های مسطح برنج و در زمین‌های ناهموار و تپه‌ای پنبه و گندم کشت می‌شد (شهرداری، غلامرضا و شهرداری، محمدرضا: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷؛ باقری: ۱۴۰۰/۶/۲).

مکان فعلی مدرسه شهید واودی، به خورد جنگل (جنگل کوچک) معروف بود. در دهه چهل شمسی این جنگل بیشتر به‌صورت بیشه بود. درختچه‌های ولیک، کاندس، اسکلم تلی در آن به‌وفور یافت می‌شد. خورد

۱. بخش امیرآباد، یکی از بخش‌های شهرستان دامغان است که سه دهستان

قهاب رستاق، قهاب صرصر و تویه دروار دارد.



عزاداری و اعیاد ملی و مذهبی بود. هر قوم و محله‌ای هیئت و دسته عزاداری مختص خودش را داشت. گروه‌های کوچک قومی، مراسم دینی و مذهبی خود را برپا می‌کردند. این تجمع ابتدا در خانه‌های هریک از آنان و بعدها با تأسیس مساجد در محلات انجام می‌گرفت. آنان در این مکان‌ها دور هم جمع می‌شوند و درباره مسائل مختلف به بحث و گفتگو می‌نشستند.

مسجد جامع قدیمی‌ترین مسجد نکا در پل سر جای دارد و بخشی از هویت مذهبی و میراث معنوی نکا را تشکیل می‌دهد و یادآور خاطرات جمعی است. فضایی که سال‌ها پر از صدای اذان و غلغله مردم برای نماز است. آوایی ملکوتی که گوش شهر را می‌نوازد و گرمی جان‌فزایی در نهفت آدمی می‌چکاند. از تاریخ دقیق احداث مسجد جامع اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما روایت‌های شفاهی قدمت آن را به دوره پهلوی اول می‌رساند. به نظر می‌رسد بانیان اولیه مسجد، شه‌میرزادی‌های ساکن پل سر به نمایندگی حاج محمدصادق نیکزاد شه‌میری بودند؛ به همین دلیل، در سال‌های نخستین با نام مسجد شه‌میرزادی‌ها شناخته می‌شد. بنای اولیه آن تکیه‌ای با یک اتاق و ایوان بود. یک درخت فک (بید مجنون) تنومند در کنار مسجد بود. آیت‌الله شیخ علی احمدزاده لیموندهی (۱۲۹۰-۱۳۴۷ ش) تکیه را با مختصر تغییراتی به حوزه علمیه تبدیل کرد.

پس از وفات آیت‌الله لیموندهی، اهالی از آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی (۱۲۶۷-۱۳۵۱ ش) تقاضا کردند پیش‌نمازی برای مسجد تعیین کند. ایشان آیت‌الله حاج شیخ حسین محمدی لائینی (۱۳۰۳-۱۳۷۲ ش) را معرفی کردند. در آن مقطع، تولیت مسجد با صفرعلی نیکزاد، محمد احسانی و حسین وفائیان بود. در آستانه انقلاب و پس از تعریض خیابان در سال ۱۳۵۶ که بخشی از مسجد را نیز شامل شده بود، بازسازی مسجد در دستور کار هیئت‌امنا قرار گرفت. هیئت‌امنا‌ی جدید، غلامحسین علی‌رضایی، غلام‌علی نیکزاد، اصغر نبیئی، ابوطالب باقری، محمد حسین شفیعی و آقای آبلویی بودند (باقری: ۱۴۰۰/۶۲). خانم راضیه راضی (مادر اکبر راضی سازنده

احداث شد. این میدان در گذشته دارای نماد لاله بود که بعدها این نماد جابه‌جا شد. اکنون این میدان المانی ندارد و شهرداری فضای آن را با توجه به هرفصل گل‌کاری می‌کند.



پل سر، ابتدای خیابان علمیه در دهه پنجاه (آلبوم عباس ایمانی)

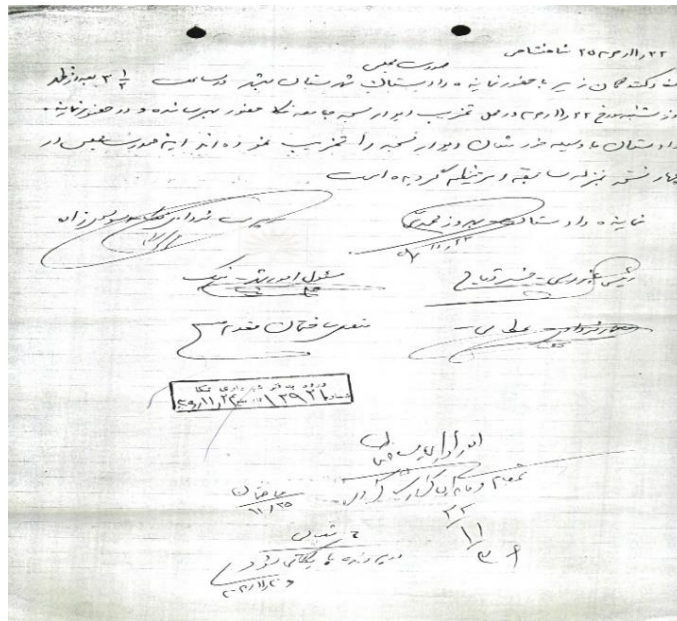
محمدعلی مهمانچی، عکاس و خبرنگار اهل ساری، کارمند اداره دخانیات ساکن خیابان شهرداری نکا و از ورزشکاران ورزش زورخانه‌ای در سال ۱۳۳۹ ش. زورخانه‌ای استیجاری به نام «ذوالفقار» را در کنار مسجد جامع نکا بنیان گذاشت. باستانی‌کاران شهر، هر از چندگاهی، به‌ویژه در شب‌های ماه رمضان، به دیدار هم می‌رفتند و ورزش می‌کردند و هنرشان را به نمایش می‌گذاشتند. در مسابقه‌های باستانی‌کاران انواع مسابقه‌های چرخ، میل‌بازی، تخته سنگ، کباده و میان‌داری رایج بود. جایزه‌هایی مانند سکه و پول نقد به برندگان داده می‌شد. جایزه پیشکسوتان در ابتدا پارچه قواره‌ای، ترمه، شال ریزبافت و خوش نقش و نگار و زیبا و در اواخر سفرهای زیارتی بود. به دنبال بارش برف سنگین در سال ۱۳۴۴ ش. سقف زورخانه فروریخت. مهمانچی زورخانه را به روبه‌روی درمانگاه نکا (بیمارستان امام حسین کنونی) نبش کوچه اسفندیاری منتقل کرد (مؤمنیان، ۱۴۰۰/۲/۱۵ و متقی، ۱۳۹۸/۴/۲۲).

ساکنان هر محله در سراسر پهنه نکا یکدیگر را «هم - محلی» می‌خواندند. احساس هویت جداگانه‌ای نسبت به ساکنان محلات دیگر داشتند که از دیگر گروه‌ها متمایزشان می‌کرد؛ از این رو، از نخستین روزهای مهاجرت توده‌ای‌شان کوشیدند پیوندهایی ایجاد کنند تا آنها را گرد هم آورد. نخستین اقدام‌شان، گردهمایی به هنگام مراسم

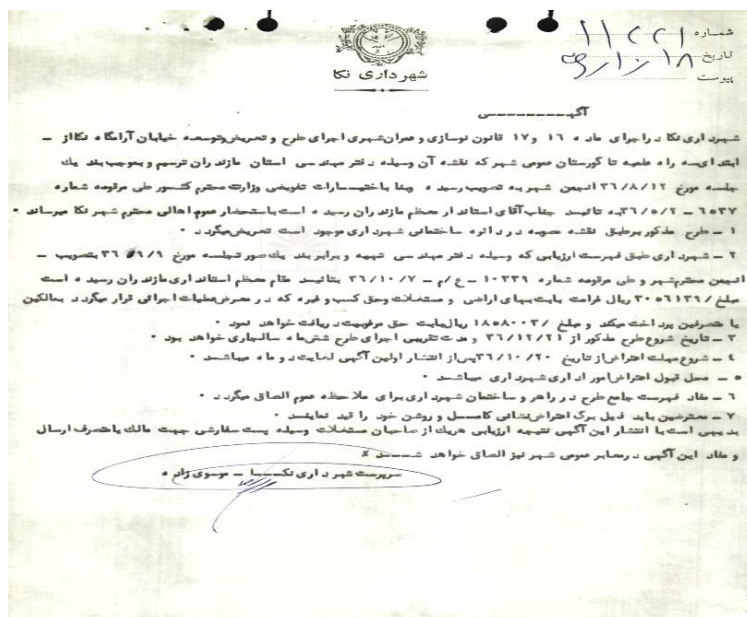
نفره دیگر هم به صورت شاخه‌ای برگزار شد. به این ترتیب، هسته اولیه ساخت مسجد با کمک اهالی پی‌ریزی شد (باقری: ۱۴۰۰/۶/۲).

بعدها آقای عباس راضی (فرزند اکبر) حدود ۱۲۰۰ متر باقی‌مانده از زمین یادشده را برای ساخت حوزه علمیه در اختیار هیئت امنای مسجد و امام جمعه قرار داد. از سال ۱۳۶۰ با پی‌گیری هیئت‌امنا و کمک خیرین به تدریج مسجد جامع و سپس حوزه علمیه مسجد جامع ساخته شد.

سینما ساحل) ۱۵۰۰ متر از زمین خود را وقف این مسجد کرد. خانم راضی، این زمین ۴۰۰۰ متری و خانه مسکونی آن را که گویا شبیه خانه‌های روستایی بود، از دکتر ناهید (کل حکیم) خریده بود. محل سکونت و طبابت اولیه دکتر ناهید در همین مکان بود (راضی: ۱۴۰۰/۶/۶). در نخستین گام، بیست نفر از بزرگان منطقه که توانایی مالی داشتند، در منزل آیت‌الله لائینی گرد آمدند. بیست میلیون تومان در این جلسه برای ساخت مسجد اهدا شد. چندین جلسه بیست



صورت جلسه تخریب دیوار مسجد جامع شهر نکا برای تعریض خیابان ۱۳۵۶/۱۱/۲۲ (ساکما: ۰۰۰۰۵-۰۶۸۷۱۷-۲۹۳)



آگهی و اطلاع‌رسانی شهرداری نکا به ساکنان خیابان آرامگاه (از سه راه علمیه تا گورستان شهر) برای اجرای طرح تعریض و توسعه خیابان

۱۳۵۶/۱۰/۱۸ (ساکما: ۰۰۰۱۵-۰۶۸۷۱۷-۲۹۳)



نمایی از خیابان علمیه در دهه پنجاه که امروزه به پارک و مقبره شهدای گمنام تبدیل شده است (آلبوم علی بابا بهرامی)

اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نیز کم‌کم پوست‌اندازی کرد. پلان خانه‌های روستایی با چهار یا دو اتاق بود که یک راهرو در وسط قرار داشت. سقف آنها شیروانی (غالباً به صورت شیب چهار طرفه) و پوشیده از سفال بود. عمده مصالح آن آجر و چوب بود. چهار طرف بنا دارای پنجره‌های شیشه‌ای و ایوان و بالکن سرپوشیده و سرتاسری رو به خیابان بود. طبقه همکف ساختمان‌های روستایی چسبیده به هم در گستره پل سر تا چهارراه، به عنوان دکان (املاکی دکن: مغازه املاکی) استفاده شدند و اتاق‌های طبقه اول، کاربری اداری یا تجاری (مهمان‌پذیر) یافتند. خانه‌های روستایی مورد استقبال مهاجران و افرادی قرار گرفت که سرمایه کافی برای خریدن ملک و ساخت خانه نداشتند.

برخی سازه‌های احداثی اداره املاک اختصاص «املاکی دکن» (مغازه‌های املاکی) بودند. افزایش تعداد مغازه‌ها موجب رونق بازار دائمی شد. این امر مهاجران فصلی را به یکجانشینی و سرمایه‌گذاری در بازار ترغیب کرد. توسعه بازار طبقه جدیدی از تاجران خرده‌پا را وارد حیات اقتصادی و اجتماعی منطقه کرد. به تدریج بر شمار افراد صاحب سرمایه در گردش افزوده شد و انحصار سرمایه را از دست مالکان و اربابان خارج کرد؛ البته تعداد بازاریان در مقایسه با طیف وسیعی از کشاورزان، دامداران، فروشندگان

احداث راه آهن نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی شهر و شهرنشینی نکا است. با احداث راه آهن، نکا دستخوش تحول اساسی در زمینه گسترش شبکه راه‌های ارتباطی و توسعه ارتباطات و حمل‌ونقل شد. پس از احداث خیابان راه آهن، اداره املاک اختصاصی، به دستور شاه، ساختمان‌هایی را دو طرف خیابان بنا کرد که به خانه روستایی / خانه املاکی / خانه پابریکی<sup>۱</sup> معروف شدند. تجمع این خانه‌ها از ابتدای پل تا چهارراه مرکزی به نکا حال و هوای تاریخی خاصی می‌داد. دولت مرکزی در عصر پهلوی اول با تجدد آمرانه، تغییر ساختار معماری سنتی و اسکان اجباری، سبک زندگی روستایی را به سمت شهرنشینی متحول کرد. خانه‌های روستایی الگوی اجتماعی متفاوتی از نظر مسکن و سبک زندگی را پیش روی مردم نهادند. خانه‌های روستایی، بافت جمعیتی را تغییر دادند. این خانه‌ها نسبت به خانه‌های سنتی، مدرن محسوب می‌شدند. به نظر می‌رسد احداث این سازه‌ها یک تصمیم آگاهانه برای تحمیل نظم نوین بر حیات سنتی بود؛ با این حال، دو محله مجزای پل سر و نارنجباغ تا دهه سی، بافتی کاملاً روستایی داشتند.

بدین ترتیب نکا نه فقط از نظر اقتصادی، از نظر

<sup>۱</sup>. به نظر می‌رسد این واژه تداول عامیانه واژه لاتین «Public» به معنای عمومی یا دولتی باشد.

نارنجباغ و پلِ سَر بود. به تدریج تا سال ۱۳۴۱ محله‌های صغیر، مله، دصفونی‌مله و جیگی‌مله نیز وارد محدوده شهر شدند. از آنجایی که ترک‌مله ارتباط جاده‌ای با شهر نداشت تا سال ۱۳۴۲ در محدوده شهر قرار نگرفت.

نکا در مسیر نوسازی تحولات گسترده‌ای را طی کرده است. در نکا تغییر و تحولات اجتماعی و نوسازی در ابعاد اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شکل گرفت؛ اما فرایند و گسترش این تغییر و تحولات به یک اندازه نبود. به لحاظ ساختار اجتماعی و نظام فرهنگی و اقتصادی، فرایند گذار از جامعه‌ای روستایی مبتنی بر اقتصاد تولید زراعی و صنایع دستی به جامعه‌ای با فرهنگ شهرنشینی مبتنی بر اقتصاد بازار و تولید را پیمود. تحت تأثیر ورود عناصر فرهنگی جدید و تأسیس مدرسه، آگاهی و سواد در بین مردم گسترش یافت. با تغییر شیوه زندگی و محیط خانه، روابط درون خانه‌ها و خانواده‌ها نیز دست‌نخورده نماند. شیوه زندگی مردم رفته‌رفته تغییر کرد و خانه‌ها دارای لوازم خانگی برقی و الکترونیکی (یخچال، تلویزیون، ضبط، رادیو) حمام خصوصی و دیگر خدمات شدند. عملکرد اجتماعی محله‌های قدیم رنگ باخت و ارزش و اعتبار مناسبات هم‌محله‌گی به سستی گرایید. طبقات و گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی جدید شکل گرفتند و روابط قبیله‌ای و خویشاوندی تضعیف شد. این تغییر و تحولات در نکا به‌طور کامل منجر به فروپاشی نظام اجتماعی سنتی نشد؛ بلکه عناصری از آن را در خود نگه داشت. وجود و قدرتمندی بسیاری از آداب و رسوم و باورهای سنتی و کهن، شبکه خویشاوندی - قبیله‌ای، طب عامیانه و بسیاری از عناصر زندگی غیرمدرن ترکیبی از ابعاد و اشکال دوگانه سنتی - مدرن بیان‌کننده هم‌زیستی سنت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در این دوره است؛ مجموعه بسیار پیچیده‌ای از ارزش‌ها، باورها، معانی و دستاوردهای سنت و نوسازی که هر دو به‌نحو عریان و ناموزون کنار هم نشسته‌اند. در دوران معاصر نیز اجرای عملیات آپارتمان‌سازی روی عرصه‌های ساختمان‌های قدیمی و فرسوده در بافت محله اجرا شده است و ترکیب بافت سنتی و مدرن در آن به چشم

دوره‌گرد، دستفروش‌ها، پیشه‌وران و کارگران اندک بود. با افزایش جمعیت و با آهنگی کند به تدریج کاروانسرا، دکه‌ها و مغازه‌های جدید در اطراف خیابان‌ها بنا شدند. علاوه بر افزایش مغازه‌ها پای مشاغلی مانند نعل‌بندی، قهوه‌چی، کبابی، قصابی و ... به بازار نکا باز شد. مردمی که تا پیش از این بیشترشان با کشاورزی و دامداری روزگار می‌گذراندند، وارد تجارت شدند. نکا هر لحظه شلوغ‌تر می‌شود و زندگی شهری جان می‌گیرد.

### هویت شهری

دوم اسفندماه ۱۳۲۹ خورشیدی، روز مهمی در حافظه تاریخی نکاست. از این پس نکا از قریه‌ای خوش آب‌وهوا به شهری کوچک تبدیل شد. وزارت کشور در بحبوحه ملی شدن صنعت نفت و کشاکش بین کابینه رزم‌آرا با مجلس، در جلسه مورخه ۱۳۲۹/۱۲/۰۲ طبق پیشنهاد شماره ۵۳۸۲۷ با توجه به جمعیت، وضع اقتصادی و اقتضا شایسته دانست در نکا شهرداری دایر شود. هیئت وزیران نیز آن را تصویب کرد. سرانجام در ۱۹ فروردین ۱۳۳۰ آقای افتخار، معاون فرمانداری ساری به‌عنوان کفیل شهرداری نکا منصوب شد تا با کمک آقای ضرابی مدیر پست نکا، «شهرداری نکا» را بنیان نهد. از این پس، قصبه نکا شاهد تحولاتی گسترده بود و به تدریج چشم‌انداز روستایی آن دگرگون و اراضی کشاورزی‌اش تغییر کاربری داد.

«لحظه گذار» جامعه روستایی نکا به جامعه شهری، لحظه‌ای که می‌شد در آن بقایای زندگی چند صد سال گذشته در نکا را به‌طور زنده دید و تجربه کرد و در عین حال، شاهد آخرین لحظه‌هایی شد که این بقایا در حال نابودی است. با گذشت زمان بر تعداد اتومبیل‌ها و آدم‌های شهر افزوده شد و زندگی شهری جان گرفت. شهر هر لحظه شلوغ‌تر شد. مدرسه، رادیو، تراکتور، شعبه توزیع نفت و اتومبیل که آمد، خیلی چیزها در نکا عوض شد.

با تأسیس شهرداری و تبدیل شدن به شهر، نکا مرحله‌ای دیگر از حیات خود را آغاز کرد. به نظر می‌رسد در زمان تأسیس شهرداری، شهر نکا شامل محله‌های

به انتظار می‌مانند. دست‌فروش‌ها هم هر کدام با صدا و نوایی بساط کرده‌اند.

عجب آدم خوشبختی است کسی که محله پل سر را با ساحل رودخانه خروشان نکارود و چشم‌اندازهای طبیعی ارتفاعات «بالا تپه» و هزاران جلوه زیبای طبیعی این محله درک کرده است. محله آرامی که قرار گرفتن در میان نکارود زیبا و تپه‌های بلند شیب‌دار، آن را بکر و ویژه می‌ساخت. تصور کن مادر، تنورش را روشن کند، بوی نان شب‌پخت تا سرشاخه‌های درختان. کتری چای را بگذارد روی آتش هیزم. صدای آب نکارود بی‌قرارت کند و نان گرم مادر را بزنی زیر بغل و بروی تا رودخانه. ساعت‌های روز را با ماهی‌گیری سپری کنی و هم‌زمان باد نرم نوازشگری از فراز تپه‌ها که کپه‌هایی سبزند هو بکشد و لوله بشود و از آستین‌های لباس آدم برود تو، یا اینکه در دل طبیعت آن به تفرج بروی. شالیزارهای برنج دور و بر آدمی را بگیرد و هر لحظه بوی برنج تازه به مشامش برسد. برای آرامش خیال، مدت‌های مدیدی به تلاطم رودخانه خیره شد و شکست نور را روی آن تماشا کرد و تلاقی خورشید و رودخانه را هنگام غروب از نظر گذراند. رودی که در طول راه جشن عروسی دختر کدخدا، مراسم سوگواری بزرگ خاندان، تکاپوی شادمانه کودکان در حال بازی و تلاش کارگران برای ساخت پل کوچکی را به نظاره نشسته است. کم‌کم آسمان تیره شود. نرم‌نرمک باران بیارد. پرنده‌ها پناه بگیرند و برگردی به خانه. گله‌ها از چرا برسند. باران تندتر شود. پدر اسب را ببرد توی آغل. مادر مرغ و خروس‌ها را بکشاند سمت کالی<sup>۱</sup>. کنار آتش بنشین تا دست‌هایت گرم شود. رودخانه زیبای نکارود، پل آجری روی آن، مزارع برنج و خانه‌های سنتی گاله به سر حاشیه رود، زیبایی خاصی به این منطقه بخشیده بود. تپه‌های بلند پوشیده از گیاهان و درختان نیز بر زیبایی آن می‌افزود.

اکنون بیشتر آن کشتزارها، تپه‌هایی که با گام‌های پرشور بر آنها قدم می‌گذاشتند، آن نهرها و صخره‌ها جایشان را به آپارتمان‌های چندطبقه داده‌اند. آغاز دوران معاصر و

می‌خورد. اینک هم‌زمان با تحول و دگرگونی در شکل و ماهیت شهرنشینی، این محله شکل جدیدی به خود گرفت. این تحولات هم درکالبد محله و هم در روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و به‌طور کلی در همه مناسبات ساکنان محله انعکاس یافته است.

نکارود پر جوش و خروش که نعمت و برکت را از کوه‌های دماوند بر دوش دارد و امانت‌دارانه حامل است، با گذر از مرکز شهر نکا نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کند. نکارود همچون یک مرز، یک آب‌بند به چشم می‌آید و در آن واحد، هم شهر را تهدید می‌کند و هم به آن حیات می‌بخشد. سیلاب این رودخانه، در درازنای زمان یکی از مصیبت‌هایی بود که زندگی ساکنان پیرامون خود را تهدید می‌کرد. با نکارود، شهر دیگر یک پهنه واحد نمی‌ماند. نکارود هم پهنه‌های شهر را تقسیم می‌کند و هم آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. نکا یک کرانه راست و یک کرانه چپ دارد و هر کرانه به‌صورتی بسیار طبیعی تلاش می‌کند اصالت مفروض خویش را حفظ کند.

نکارود وقتی از کنار محله‌های نکا می‌گذرد، به غم و اندوه آنها آرامش نسبی می‌دهد. نکا بازتاب خود را روی آب‌های رودخانه می‌اندازد. رویایی خیالی از هم‌دستی محله‌های حومه و رودخانه زاده می‌شود. بیشه‌ها، مزارع، حومه‌ها، آپارتمان‌ها، حاشیه‌های شهری و ... کنار هم می‌نشینند. نکارود شهر را زنده می‌کند و برای آن پاکی و طبیعت را بر جای می‌گذارد و ناپاکی‌ها را بر دوش می‌گیرد و با خود می‌برد تا شهر بتواند به حیات خود ادامه دهد.

پل روی رود، دو کرانه را به شیوه‌ای مقدس با یکدیگر پیوند می‌زند. قوس‌های پل از روی نکارود می‌گذرند. پارک، فضای سبز و درختان بید کناره‌های رودخانه در مقابل اضطرار، تنش و قطعیت شهری ما را به سوی آزادی، آسایش و پیچ و خم‌ها هدایت می‌کنند. در گذشته، کارگران، دست‌فروشان، معرکه‌گیران و ... به فراوانی روی پل و اطراف آن دیده می‌شدند. هنوز ابتدای پل (پل سر) پاتوق کارگرانی است که از ابتدای طلوع آفتاب در اینجا حضور می‌یابند. بیشتر این کارگران، مردم همین منطقه‌اند که برای تأمین حداقل نیازهای ضروری زندگی خود روزها

۱. لانه

بود، آنجا شالیزار و آن طرف‌ترها گندم و پنبه کشت می‌شد. در فلان محدوده درختانی سایه‌گستر بودند که چوپانی گله‌اش را به آن سو هی می‌کرد و در دل گرمای تابستان به خنکای سایه آن پناه می‌برد و هرگاه که دلتنگ می‌شد، در حسرت دیدار معشوقه‌اش آهنگ «غریبی» از لاله‌وایش جاری می‌کرد و گله، آرام و سربه‌راه به او گوش می‌سپرد. حال، شهر با برج‌ها احاطه شده است. از خاطرات و رویاها چندین گام به جلو می‌رویم و با نکای معاصر مواجه می‌شویم. اگرچه حافظه‌مان بوی سقف باران خورده کاهگلی خانه‌های سنتی قدیمی می‌دهد.

**نتیجه** محله پل سر یکی از قدیمی‌ترین محله‌های نکا است که به دلیل واقع شدن در جوار پل شاه‌عباسی، رد پای تاریخ و قدمت پل سر در آن دیده می‌شود. پل آجری که با شکوه و زیبایی، مسیر عبور مسافران را هموار می‌کرد. هنگامی که در دوره پهلوی اول، نکا و دهکده‌های پل سر و نارنجباغ به آرامی دستخوش تغییر شدند. تغییر وضعیت مالکیت، احداث راه آهن، توسعه خیابان، احداث کارخانه برنج پاک‌کنی، تأسیس دبستان طوسی، ساخت اداره املاک اختصاص، احداث خانه‌های روستایی، پایه‌های اصلی ترقی و تحولات اقتصادی و فرهنگی نکا بودند. این سازه‌ها در هسته اصلی نکای کنونی - نارنجباغ و پل سر - زمینه رشد نکا و تغییر کالبدی آن را از حیات روستایی به شهری فراهم کردند. با تغییر شکل روابط اجتماعی بافت پل سر نیز تغییر کرد. کم‌کم از فرم ارگانیک خود خارج شد.

تغییرات کالبدی و اجتماعی پل سر در دوره پهلوی دوم ادامه یافت. تغییرات وسیع در ساخت اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی موجب تحرک اقتصادی در نکا شد و به تدریج مهاجرت به نکا برای ارائه خدمات و یافتن کار، پهنه آن و محله پل سر را گستراند. افزایش مهاجرت موجب تغییر کاربری اراضی و گسترش محدوده محله و تغییر شکل ساختمان‌ها و معماری و استفاده از مصالح جدید و معماری مدرن در ساخت خانه، تفکیک کارکردهای مسکن و مطرح شدن حریم خصوصی شد. تغییر و تحولات اجتماعی و نوسازی در این محله و دیگر نقاط نکا در ابعاد اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شکل

تحمیل شدن شاخصه‌های زندگی مدرن بر بافت تاریخی باعث فروپاشی و ازهم‌گسیختگی بنیان‌های سنتی و اجتماعی ساکنین این بافت شده و آن را در مرحله‌ای از دگردیسی برای انطباق با شرایط جدید قرار داده است. ناگفته نماند این خیابان نسبت به دیگر جاهای نکا تقریباً بافت سنتی‌اش را حفظ کرده و آهسته به سوی تغییر و دگرگونی قدم برداشته است. با این همه، یکی از جاهایی در نکاست که می‌تواند روح خسته آدمی را نوازش کند و آرام‌بخش باشد. آوای دلنشین جوش و خروش نکارود در پل سر طنین انداز می‌شود. اینجا تفرجگاه مردمان نکا و خاطره جمعی نکاست. چه دلپذیر است در یک روز بارانی، فارغ از تمام روزمرگی‌های زندگی، بی‌خیال تمام دغدغه‌ها و دلهره‌ها، دیدگان را به روی زیبایی نکارود گشود. صدای پای آب را شنید و تجربه‌ای متفاوت از صداهای موجود در فضای شهری را به دست آورد. هم‌زمانی طنین دل‌نواز نکارود از نخستین ساعات صبح با صدای کاسب‌های اطراف پل که کرکره مغازه‌شان را با «بسم‌الله» و «یا مولا علی مدد» بالا می‌زنند و آواز «ابر بپته هوا ره» کارگر ایستاده در ابتدای پل چه لذت‌بخش است. به آنهایتا ایزد بانوی آب‌ها سلام دهیم و به رسم نیاکانمان هر صبح خواب‌های مان را برای آب رودخانه بازگو کنیم تا تعبیری نیکو از آن برآید.

روزگاری خانه‌های نکا کاهگلی بود و حوض گلی و چاهی داشت با کلاهی از گاله بر سر. جویبارهایش در خشکسال تابستان نیز از جریان نمی‌ایستادند. حیاط خانه‌ها دیوار نداشت و حیاط منزل‌ها به هم راه داشت. امروز حتی در دورافتاده‌ترین روستاهای آن نیز خانه‌ای نمی‌یابید که چنین ویژگی‌هایی داشته باشد. اینک از آن خانه‌های چوبی و درختان ستبر خبری نیست. به جای پرچین‌های چوبی دیوارهای سیمانی و حفاظ آهنین مجهز به دوربین مداربسته پدید آمده‌اند. طبیعت، دیگر طبیعت آن سال‌ها نیست. در امتداد غلزارها، تجمل آرمیده است. دیگر کالبد نکا چندان آشنا نیست. هرچه به خاطرات و یادداشت‌ها سر می‌زنیم و می‌خواهیم نشانی از آن در گوشه و کنار شهر بیابیم، مرثیه‌خوان می‌شویم. کهنسالان می‌گویند اینجا باغ

گرفت؛ اما فرایند و گسترش این تغییر و تحولات به یک اندازه نبود. اینک هم‌زمان با تحول و دگرگونی در شکل و ماهیت شهرنشینی، این محله شکل جدیدی به خود گرفت؛ این تحولات هم در کالبد محله و هم در روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و به‌طور کلی در همه مناسبات ساکنان محله انعکاس یافته است.

#### ب. اسناد

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ساکما: ۰۰۰۵-۰۶۸۷۱۷-۲۹۳
- ساکما: ۰۰۱۵-۰۶۸۷۱۷-۲۹۳

#### ۲. آلبوم‌های خانوادگی و شخصی

- آلبوم احمد مومنیان
- آلبوم عباس ایمانی
- آلبوم علی‌بابا بهرامی

#### پ) مصاحبه‌ها

- باقری، ابوطالب. (۱۳۱۸). بازاری. نکا. منزل شخصی: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲.
- تقی‌زاده ملک‌شاه، سید هاشم. (۱۳۲۷). راننده بازنشسته. نکا. منزل شخصی: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵.
- راضی، عباس. (۱۳۳۱). مالک سینما. نکا. منزل شخصی: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶.
- رضوانی، قدرت‌الله. (۱۳۲۷). شغل آزاد. نکا. منزل شخصی: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶.
- شهمیری، غلامرضا (۱۳۳۸) نقاش. نکا گالری نقاشی: ۰۷/۱۳۹۸/۰۵.
- شهمیری، محمدرضا. (۱۳۳۶). شغل آزاد. نکا گالری نقاشی: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷.
- متقی، جواد. (۱۳۳۹). شغل آزاد. نکا. باغ بستنی نیکان. ۱۳۹۸/۰۴/۲۲.
- مؤمنیان، احمد. (۱۳۱۷). نانوا و باستانی‌کار بازنشسته. نکا. منزل شخصی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵.

#### کتابنامه

##### الف) کتاب‌ها

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (بی‌تا). روزنامه خاطرات. به کوشش فرخ سرمد. تهران: نوین.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۸۴). شازده حمام. جلد ۱. خراسان رضوی: پاپلی.
- دمورگان، ژان ژاک. (۱۳۹۵). سفرنامه. ترجمه کاظم ودیعی. تهران: دنیای کتاب.
- رابینو ه، ل. (۱۳۴۳). مازندران و استرآباد. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- رضاشاه. (۱۳۵۵). سفرنامه مازندران. تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی.
- محمدمیرزا مهندس. (۱۳۹۰). روزنامه سفر. مندرج در نامه مازندران. به کوشش مصطفی نوری. تهران: البرز.
- مکنزی، چارلز فرانسیس. (۱۳۵۹). سفرنامه شمال. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران: گستره.
- ملگونوف، گریگوری. (۱۳۷۶). کرانه‌های جنوبی دریای خزر. ترجمه امیر هوشنگ امینی. تهران: کتابسرا.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۹۰). سفرنامه ۱۲۸۳-۱۲۸۲. مندرج در نامه مازندران. سفرنامه‌های عصر ناصرالدین شاه. به کوشش مصطفی نوری. تهران: البرز.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۲۵۳۶). روزنامه سفر مازندران. تصحیح ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران زمین.
- نوفل، سید علیرضا و همکاران. (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت (نمونه موردی محله جلفا در شهر اصفهان). فصلنامه آرمانشهر. شماره ۳.

Fraser, James B. (1826). *Travels and Advantures in The Persian Provinces on the Southern Bank of the Caspian Sea*. London: Paternoster.

